



## توسعه اجتماعی و هویت / چالش‌های هویتی ما کدامند

در توسعه فرهنگی - اجتماعی باید این فرض را پذیرفت که هویت‌های مختلف می‌توانند در کنار هم زندگی مسالمت‌آمیز داشته باشند.

خبرگزاری مهر- در توسعه فرهنگی - اجتماعی باید این فرض را پذیرفت که هویت‌های مختلف می‌توانند در کنار هم زندگی مسالمت‌آمیز داشته باشند.

در هنگامه بحران است که افراد ناگزیر از انتخاب میان منابع مختلف هویتی یا اولویت‌بندی آنها هستند، در شرایط عادی افراد می‌توانند همزمان گرایش‌های محلی و جهانی در هویت فردی و گروهی داشته باشند.

توسعه فرهنگی - اجتماعی باید به دنبال این باشد که در شرایط خاص و بحرانی، با اتکاء به قدرت یک منبع هویتی را به‌عنوان منبع برتر، جایگزین سایر منابع کند. برای انجام این کار از یک منظر استراتژیک، شناسایی ابزارها و شیوه‌های موجود برای رسیدن به هدف بسیار کلیدی است.

به‌عنوان مثال در کشورهایی با تاریخ کهن نظیر ایران، جهانی شدن موجب نوعی توجه به گذشته پر افتخار شده است که علایم آن را می‌توان در توجه به موزه‌ها، آثار باستانی، نامگذاری مغازه‌ها، شرکت‌ها و کودکان و نظیر اینها مشاهده کرد. از سوی دیگر باستان‌گرایی می‌تواند باعث بروز برخی حرکت‌های گریز از مرکز در میان اقلیت‌ها شود. در اینجا است که توسعه فرهنگی - اجتماعی تعیین‌کننده و کلیدی می‌شود.

نکته کلیدی در توسعه فرهنگی - اجتماعی در حوزه هویت این است که سیاست‌های هویتی نظام سیاسی نمی‌تواند بدون توجه به جریان‌ها و گرایش‌های فرهنگی - اجتماعی هویتی موجود در جامعه پایدار و موفق باشد.

هر حرکتی در راستای توسعه فرهنگی - اجتماعی در حوزه هویت باید با توجه به میزان علاقمندی و ارتباط مردم به منابع هویتی تدوین شوند. نمی‌توان در یک جامعه مذهبی و سنتی سیاست‌های هویتی مدرن سکولار را پیاده کرد.

در نقطه مقابل هم توسعه فرهنگی - اجتماعی نمی‌تواند صرفاً بر یک منبع هویتی تأکید کرده و منابع ملی هویت‌ها را نادیده بگیرد. در کنار این، هویت باید بتواند همزمان به چالش‌های فراملی و فروملی پاسخ دهد. مسایل موجود در مثلث توسعه فرهنگی - اجتماعی هویت ملی و جهانی شدن را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد.

- 1- چالش میان منابع رسمی و غیررسمی هویت ملی؛
- 2- چالش میان منابع هویت ملی و فراملی؛
- 3- چالش میان منابع هویت ملی و فروملی؛
- 4- چالش‌های ناشی از ضعف نیروی انسانی و فنی ابزارهای توسعه فرهنگی - اجتماعی؛
- 5- چالش ناشی از اختلاف نظر نخبگان در مورد منابع و مبانی هویت ملی.

چالش چهارم مربوط به توسعه فرهنگی - اجتماعی در حالت کلی است. حتی در صورت داشتن یک برنامه خوب، اجرای آن مستلزم داشتن ابزارهای فنی و حتی نیروی انسانی کارآمد است.

بهترین برنامه‌ها در دست افراد و ابزارهای ناکارآمد چیزی جز آرزو نیست که امکان تحقق ندارد. چالش پنجم را اغلب در کشورهای خاورمیانه می‌بینیم که به علت شرایط اقتصادی و سیاسی، و وابسته بودن قدرت اقتصادی به قدرت سیاسی، اختلاف میان نخبگان تشدید می‌شود و آنها برای افزایش قدرت خود، از شکاف‌های موجود در جامعه برای تضعیف رقیب بهره می‌گیرند که پیامد این امر حزبی شدن توسعه فرهنگی - اجتماعی است. توسعه فرهنگی - اجتماعی کارآمد در عصر جهانی شدن باید توان مقابله همزمان با این چالش‌ها را داشته باشد.

بسته به مورد هر کشور ممکن است یکی از این چالش‌ها بسیار مهم‌تر باشد یا نظام سیاسی آنرا مهم تلقی کند. مثلاً در مورد جمهوری اسلامی ایران بحث تهاجم فرهنگی نشان‌دهنده اهمیت قائل شدن به چالش دوم از طرف مسئولان است. یعنی فرض می‌شود ارزش‌های فرهنگی - اجتماعی برآمده از انقلاب اسلامی در معرض تهاجم نیروهای فراملی قرار دارد و باید در مقابل این تهاجم

ایستادگی کرد. همین طور نهضت نرم‌افزاری معطوف به مقابله با چالش چهارم است. فرانسه هم در چند سال گذشته اقدامات متعددی برای مقابله با چالش‌های هویتی ناشی از جهانی شدن انجام داده است.